

نگاهی به هنر شعر فارسی امام بخش صہبائی

سدرہ نعیم سندھو

لیکچرر فارسی، گورنمنٹ ڈگری کالج باغبانپورہ، لاہور

IMAM BAKHSH SEHBAI

AN INTRODUCTORY STUDY

Sidra Naeem Sindhu

Lecturer in Persian, Govt. Degree College Bagbanpura, Lahore

Abstract

Imam Bakhsh Sehbai was a great scholar, author and poet of the Subcontinent. He composed verses both in Persian and Urdu languages. He was a prolific writer and left behind him many memorable books on different topics. He was acknowledged for his scholarly achievements at home and across the Subcontinent and his books got published from Iran. He was a maestro of composing verses in Persian language. This article analyses Sehabi's poetic rendition in Persian on technical ground.

Keywords: صہبائی، فارسی، شاعری، کلمات صہبائی، دہلوی،

سواج الدین خان آرزو، گنجینہ اسوار، ہدایق البلاغۃ، نثر ظہوری،

گنجینہ رموز، قتبو

امام بهخش صهبانی دهلوی عالم، ادیب و شاعر فارسی و اردو. وی از شاعران روزگار آخرین امپراتور مغول بهادر شاه ظفر (۱۲۵۳-۱۲۷۵ق) است. صهبانی در علوم و فنون رسمی چون معما، عروض و قافیه، عالم روزگار خود بود. وی ۱۵ سال در دانشکده دهلوی زبان فارسی تدریس می کرد. وی در سال ۱۲۷۴ق درگذشت. صهبانی در رشته های گوناگون آثار متعددی به یادگار گذاشته است و از جمله آنها می توان به این کتابها اشاره کرد: قول فیصل در رد تنبیه الغافلین سراج الدین علمی خان آرزو، ترجمه حقایق البلاغه شمس الدین فقیر دهلوی، رساله فارسی، حسن و عشق در انشاء، شرح پنج رقعہ ظہوری، شرح سه نشر ظہوری، شرح میمنہ بازار، شرح معمای نصیرای ہمدانی، گنجینہ اسرار، گنجینہ رموز و کلیات صهبانی. صهبانی، شاعر قرن سیزدهم ہجری، شیوہ های ادبی را با ذوق هنری خود عجین ساخته است. آشنایی او با دقایق و ظرایف زبان، شعر او را زیبایی بخشیده است. به همین سبب وی در انواع قالیب شعر، مہارت خود را نشان داده است. ما در اینجا به بعضی از ویژگی های هنری شعر صهبانی می پردازیم.

صورخیال

تصویر خیال، تصویری است کہ شاعر آن را به وسیلہ کلمات می سازد. از ویژگیہای مہم شعر صهبانی، تصویر پردازی های او است. وی در اشعار خود با مہارت و زیبایی خاص، صحنہ ای را توصیف و در ذہن خوانندہ مجسم می کند. او به یاری عناصر خیال مانند تشبیہ، استعارہ، تلمیح و تشخیص، شعر خود را زیبایی، جان و حرکت می بخشد. ما در اینجا به بعضی از عناصر خیال کہ در شعر صهبانی کار برد بیشتری دارد، بررسی می کنیم.

تشبیه

یعنی مانند کردن چیزی به چیزی دیگر. در شعر صهبائی تشبیه، جایگاهی ویژه دارد. او با تشبیهات زیبا و مناسب مقام شعر خویش را زیبایی می بخشد. در شعر صهبائی هر دو نوع تشبیه یعنی تشبیه گسترده و تشبیه فشرده وجود دارد. به عنوان مثال:

خط لب تو مایه جمیعت دل ست شیرازه بستم از رگ جان این کتاب را
(صهبائی، ص ۲۳۸)

جمله فیض صبح دربار ست داغ یاس دل یک گل نشگفته نبود بوستان عشق را
(صهبائی، ص ۲۴۲)

سختی کندن جان باب سبکروهان نیست شمع سان کم زخموشی نبود مودن ما
(صهبائی، ص ۲۴۵)

چون حباب آئینه حسوت دیدار شدیم نبود جز نفس سرد به پیراهن ما
(صهبائی، ص ۲۵۲)

چون صبح بار خاطو عالم نبوده ایم نمکین نداشت جز تنسی رنگ گود ما
اندر قمار خانه این بزم همچو شمع رنگی که باختیم بود نقش نرد ما
بزم جهان نبوده سزاوار عیش کس ایندجا عنان ما بکشید آبخورد ما
(صهبائی، ص ۲۴۷)

چون موج روزی تن ما جامه فناست سودا پکار گاه جنون یافت رخت ما
(صهبائی، ص ۲۴۹)

استعاره

استعاره های فراوان نیز در شعر صهبائی آمده است. وی استعاره

هما را نیز متناسب با مقام و بیان مطلب انتخاب کرده است. به عنوان مثال:

آن حبیبم که از بحر فنا سوزده ایم چشم واکودن ما وضع زخود رفتن ما
(صهبائی، ص ۲۳۲)

بس حشر پیا از قد بالای تو یابند بس فتنه که از نوگس شهلائی تو یابند
(صهبائی، ص ۲۳۲)

تلمیح

در اصطلاح فن بدیع آن است که شاعر در ضمن کلام، به داستانی یا مثل، یا آیه و حدیث یا سخن یا حادثه‌ای که معروفیت داشته باشد، اشاره کند (میر صادقی، ص ۸۳). صهبائی در اغلب غزلیات خود، تلمیح را به کار برده است. به عنوان مثال:

مست دریا کش عشقیم و به میخانه شوق جرعه زد لب منصور ز پیمانه ما
(صهبائی، ص ۲۳۷)

یک جهان برو عده جان بخشی لب می کشد کرده عیسی را شفیع خویشتن بیباک ما
(صهبائی، ص ۲۴۰)

لعلش زیاده جان دم عیسا برد مرا فکر قدش ز دل غم فردا برد مرا
(صهبائی، ص ۲۴۳)

با بوی پهرن نتوان ساختن ز وصل از وی پیش گل چه تمنا برد مرا
(صهبائی، ص ۲۴۴)

مره بستن از افلاک برد بالا تر خار در بستر عبسی شکنند سوزن ما
(صهبائی، ص ۲۴۶)

پیستی همه نصیبۀ ما شد ز پخت ما قارون صفت ز خاک بود تاج و تخت ما
(صهبائی، ص ۲۴۹)

ز جهنم یوسف ما می کشد تباب ولی برای دیدن آن رشک حور دیده کبست
(صهبائی، ص ۲۵۰)

تشخیص

یعنی جان بخشیدن به اشیای بی جان. تشخیص یکی از ویژگی‌های مهم شعر شاعران سبک هندی است. عرفی شیرازی و بیدل دهلوی در اشعار خود تشخیص را به فراوانی به کار برده اند. صهبائی نیز در شعر خود، به تشخیص توجه خاصی دارد. نمونه تشخیص:

چون شرر حاصل مادر گرو دست فناست برق با ریشه کند سر پدر از دانه ما
وای گر ناز عثمانش بتغافل ندهد هست نشتر بکف شرخی افسانه ما
عقل می نازد و از سربتن آگه نبست نسخه چهل بود مبحث فرزانه ما
(صهبائی، ص ۲۴۷)

با شرم حسن دیده آئینه محو تست لایق نبود حیرت چشم حجاب را
شد جلوه تر مانع سهل سر شک من این برق یست گریه چشم سحاب را
(صهبائی، ص ۲۴۸)

ای خوشا قبض رگ ابر حجاب نا کسی موج گهر سوزند از سبزه خاشاک ما
(صهبائی، ص ۲۴۰)

ای شب گور از خیل شمع رویت روشن ست دست عشقت کرد فانوس خیالی خاک ما
(صهبائی، ص ۲۵۰)

گشت هر مو خار بستو ناتوان عشق را / نشتر آبی داده مغز استخوان عشق را
(صهبائی، ص ۲۴۱)

حاصل چندین سخن آخر بنام خامشی ست / حیرت دل خوب می فهمد زبان عشق را
(صهبائی، ص ۲۴۲)

قدرت و تسلط صهبائی در زبان فارسی بی مانند است. او در بخشی بزرگ از اشعارش، زبانی ساده و روشن دارد. یکی از ویژگیهای زبان صهبائی، لغات و ترکیبات و تعبیرات تازه آن است نمونه ای از واژه سازی ها و ترکیب سازی او.

میخانه شوق، هستی اهل فنا، خود داری پرانه، مایه جمیعت دل، وحشت رسا، جلوه گاه رخ آتشین، شرم حسن، دیده آینه، گریه چشم سحاب، دل بریان، رنگ عذاب و ثواب، منت آتش، فیض رگ ابر حجاب، انگشت افسوسی، خمیازه شوق جنون، مستی چشم بت بیباک، فانیوس خیال، نخل آتش، همعنان گردش چشم نوجوان، وعده جان بخشی، دود چراغان غم، گرمی جولان شوخی، نقش کف پا، مغز استخوان عشق، کاروان عشق، راه بی نشان عشق، حیرت دل، زبان عشق، داغ یاس دل، بوستان عشق، رنگ نقش پیا، ترجمان عشق، آغوش وداع طاقمت، طوطیان عشق، نذر تعظیم غم، اسیر مدعا، نقش سرابی، مشرق خورشید حسن، جذبه آغوش خار دشت، حلقه فتراک شوخی، طلسم غم جهان، ظلمت بخت سیاه، حسرت دیدار دل پر حوصله، حیلۀ را ماندگی، مشق جنون، فروغ دیده حسن، شوخی وحشت حسن جهان فریب، گرمی آتش غم، سیعنه چمن بهار، جلوه گر حسن، عشوه حسن، روشنی طبع، ذوق حسن، نگاه شوق، باده خمخانه اسرار، گوش مینا، جوش خریدار.

در زبان صهبانی لغات و ترکیبات و عناصر عربی نیز وجود دارد. نمونه هایی از واژه های عربی در دیوان او عبارتند از:

سُبْحَةُ الْمَلِكِ، اربعین، عبیر، عین، یمین، سباع، حصن حصین، دُرّ یمین، روح الامین، هلال بُسَیْن، ثعبان، حصیر، صحیفه، و نمونه هایی از واژه های ساده عربی: قاصر، شفیع، ظلمت، جهل، عالم، جمیعت، رحمت، لطف، حاصل، سجده، عاقبت، محراب، محرم، قتل، تعظیم، مانع، لعل، وصل، طوبی، محمل، باطل، منزل، کامل، قاتل، عنقا، حور.

صهبانی در بعضی اشعار به آیات قرآنی نیز اشاره دارد. به عنوان مثال: آه ازان شوق که در کشمکش عجز افسرد / ارنی بود بطلب طاقت دیدار نبود (صهبانی، ص ۲۲۱)

جذبه عشق ست تا مگیرورنه عشق دوست / لمن توانی گوی بولب عذر بسبار آورد (صهبانی، ص ۲۲۲)

صهبانی در اشعار خود واژه ها و ترکیباتی به کار برده است که باری تاریخی و فرهنگی و دینی بر دوش می کشند. از این گونه است واژه هایی: لب منحصور، تخت سلیمان، ترک تقوی، رنگ داغ، سجده محراب شب یلدا، بستر عیسی، رشک حور، شیوه کافری، مانی، ارژنگ، کعبه، بتخانه.

موسیقی شعر صهبانی

دکتر شفیعی کدکنی که به عنوان موسیقی شعر کتابی بسیار ارز شمرند به نگارش در آورده است و برای شعر سنتی فارسی چهار نوع موسیقی را بر شمرده است (شفیعی کدکنی، ص بیست و سه) که بدین گونه اند:

موسیقی بیرونی: یعنی وزن عروضی

موسیقی کناری: قافیه، ردیف و تکرار کلمات
 موسیقی داخلی: تکرار صامت و مصوت و آوردن کلمات هم آهنگ و
 تجنیس.

موسیقی معنوی

پارا در کس، حس آمیزی، تضاد، ایهام و مراعاة النظیر، ما در
 اینمجا با در نظر داشتن چهار نوع موسیقی شعر، به بررسی شعر صهبانی
 می پردازیم:

۱. صهبانی در دیوان خود به محور گوناگون غزلیات سروده است. از
 اوزان سنگین و مهجور در دیوان او خبری نیست.

۲. در ادبیات فارسی، مولوی از شاعرانی است که تکرار کلمات را در شعر
 خود به فراوانی به کار برده است. صهبانی نیز در شعر خود، در بعضی
 موارد به این ویژگی توجه داشته است. به عنوان مثال:

پس از آنکه ذره ذره بود هوا بغارت شود از نوباز خومن همه کار و کشت ما را
 (صهبانی، ص ۲۴۸)

بگو بگو که کوا خاطر تو در چنگ ست که تابخانه روی هر نفس صد آهنگ ست
 (صهبانی، ص ۲۵۳)

زخمی بغلو چاشنی زهر بو نداشت مشکل پسند بود دل لخت لخت ما
 (صهبانی، ص ۲۴۹)

۳. صهبانی به ردیف نیز توجهی دارد. ردیف های طولانی و متکلفانه در
 شعرش وجود ندارد. نمونه هایی از ردیف های او:

ماء، را، عشق را، آئینه را، برد مرا، دل ماء، ما را، کیست، گرفت،
 نخواست، سوخت، است، نیست، رفت، تومی آید، دارد، آید، نمی آید،

ندارد، باشد، کنند، نبود، آورد، تو یابند، بود، نشد، هنوز، سوز، ما می‌رس،
 نکرد کس، نامیدش، خوریش، در بغل، گریستم، ساختم، داشتم، رفتم،
 ساختیم، من، شان، بین، زیستن، تو، کو، آینه، می دانی، پنداری.

۴. تضاد یکی از ویژگیهای هنری است که در شعر صهبائی به فراوانی
 وجود دارد. نمونه هایی از تضاد در دیوان صهبائی.

روز. شب، فضا. هستی، خزان. بهار، ذره. آفتاب، گناه. ثواب، لطف.
 عتاب، عذاب. ثواب، زهر. تریاک، دوزخ. بهشت، پستی. اوج، زیان. سود،
 گم. خمار، خموب. زشت، کفر. ایمان، بنده. خداوند، صلح. جنگ، دوست.
 غیر، مرگ. زندگانی، نور. تیرگی، درد. درمان، مهر. کین، سبحة. زنار،
 صبح. شب، زخم. مرهم، کافر. مسلمان، جفا. وفا. اشعار:

دارد ائوز چمن جبین موج خنده ات یک رنگ کرده ناز تو لطف و عتاب را
 (صهبائی، ص ۲۳۹)

وحدت هزار جلوه فتادست دیده ام در دیو و کعبه رنگ عذاب و ثواب را
 (صهبائی، ص ۲۳۹)

بسکه در یاد دهان نوش خندش می کشم ز هو هم در ساغو ما می شود تو یاک ما
 (صهبائی، ص ۲۳۹)

ایقدر بیباک مگذر ای بهشتی رو که دل آتش دوزخ بود پنهان بزیر خاک ما
 (صهبائی، ص ۲۵۴)

اگر گل ست و گو خار دل توان دادن بهار جلوه سیه مست جام نیرنگ ست

مراعات النظیر

طرفه کان بت برخ کعبه روان هم خندد دست در گردن غبوست زجانانه ما
 (صهبائی، ص ۲۳۷)

مصلحتها به پیش روی تو کرد همه چو آئینه پی زبان دل ما
 (صهبائی، ص ۲۴۴)

حس آمیزی

لعل لعلش مگر از چین جبین ساخته اند
لطف او عرض بجز تلخی دشنام داد
(صهبائی، ص ۲۵۹)

بما آه سرد گرمی سوز درون نرفت
چون صبح باد می شود اخگر برای من
(صهبائی، ص ۲۷۲)

☆☆☆☆☆

کتابشناسی

- شفیعی کدکنی، محمد رضا، گزیده غزلیات شمس، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۸۴ ش
- صهبائی، امام بخش، کلیات صهبائی، نولکشور، لکهنو، ۱۳۹۹ ق
- میر صادقی، یسنت، واژه نامه هنر شاعری، انتشارات، مهناز، تهران، ۱۳۷۶ ش

